

یا اِمامَ العَصْرِ یا کَهفَ الأمان یا جَمالَ الکونِ یا قُطبَ الزمان
لا تَدعنا فی النَوایبِ الغیاث أدركَ العبدَ الضعیفَ المُستهان
یا أَمینَ اللّهِ عَجَلْ فی الظُّهور وَ أنصُرِ الإسلامَ بالنصرِ العیان

الفِراقُ الفِراقُ الفِراقُ
الأمانُ الأمانُ الأمانُ

چه شود که پا گذاری به رواقِ دیدگانم
منم آنکه انتظارت زده شعله‌ها به جانم
چه مدیحه‌ای بخوانم که تو را قبول افتد
مددی که لال هستم تو مگر دهی زبانم
تو به باغِ گل گلابی پسرِ ابو ترابی
ز من آر تو رو بتابی به زبانِ بی نشانم
به کجایی ای حبیبم که بدون تو غریبم
ز غمت گرفته آتش همه مغزِ استخوانم
شده موی تو کمندم به خطِ تو پای بندم
تو بخند تا بخندم به خدا که شاد از آنم
چه شود که رُخ نمایی گره از گره گشایی
گلِ فاطمه کجایی که دهی خطِ آمانم
چه شود که پا گذاری به رواقِ دیدگانم
منم آنکه انتظارت زده شعله‌ها به جانم
چه مدیحه‌ای بخوانم که تو را قبول افتد
مددی که لال هستم تو مگر دهی زبانم